(260)

هو الله

ای یاران الهی هر چند نامه‌های متعدده در این مدت مدیده باحبای قدیمه و جدیده نگاشته شد ولی نامهء تازه وارد و اسمآء آن سروران کشور محبت الله در آن مذکور از قرائت آن اسمآء حالتی دست داد که زمام از دست رفت بی‌اختیار بذکر ابرار مشغول شدم تا شوق و شعف این قلب پرتوی بر جهان دل و جان آزادگان زند و شرق و غرب روشن گردد اگر بدانید که بچه شور و شعفی الآن بأملای این نامه پرداختم البته از وجد و طرب در قمیص جسد نگنجید ارواح بپرواز آید جانها همدم راز گردد و دلها بسرور ابدی دمساز شود این نیست مگر از فضل و احسان حضرت یزدان و علیکم التحیة و الثنآء

الهی الهی اید هؤلآء العباد علی رفع رایة المیثاق و اعلآء کلمتک فی الآفاق و اغفر یا ربی الجلیل لعبدک عباسعلی (من اهل ریز لنجان) الذی شرب کأس البأسآء و الضرآء فی سبیلک و ابتلی باضطهاد المبغضین من اعدآئک و جرعوه کأس العذاب و زجروه اشد العقاب حتی عرج الیک و وفد ببابک مبتهلا الیک ساجدا بین یدیک رب انزله نزلا مبارکا و قدر له کل خیر فی ملکوتک الأعلی انک انت الکریم المقتدر الوهاب (ع ع)